

پرورش تفکر انتقادی بر اساس تحلیل محتوای کتاب منطق الطیر عطار نیشابوری

دکتر فرامرز محمدی پویا^۱

سینا ترکاشوند^۲

سهراب محمدی پویا^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۰۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های تفکر انتقادی در منطق الطیر عطار نیشابوری و به روش تحلیل محتوای کیفی و مفهومی، صورت پذیرفته است. بدین صورت که از طریق مطالعه‌ی نظری، به تحلیل مفهوم تفکر انتقادی و تبیین مؤلفه‌های آن پرداخته و سپس از فرم واری دو مرحله‌ای باز و بدون پیش‌سازمان یافتگی جهت تحلیل محتوای منطق الطیر استفاده شده است. به این صورت که کل اشعار، حکایات و تمثیل مورد بررسی قرار داده شده و مواردی که دارای مضامین مرتبط با مؤلفه‌های تفکر انتقادی بودند، شناسایی و طی دو موقعیت از جمله؛ آدرس اشعار، حکایت و تمثیل، و زمینه‌ی مصداقی، در فرم تحلیل محتوا منظور شده‌اند. یافته‌ها به تبیین مؤلفه‌های نه‌گانه‌ای برای تفکر انتقادی انجامید (پرسشگری، قضاوت با معیار روشن، استدلال، تجزیه و تحلیل، بی‌طرفی، روشمندی، عینیت‌گرایی، حقیقت‌جویی، انعطاف‌پذیری) و سپس برای هر یک از مؤلفه‌ها، مصادیقی در منطق الطیر عطار استخراج گردید. نتایج پژوهش حاکی از تأکید منطق الطیر عطار بر همه‌ی مؤلفه‌های تفکر انتقادی به خصوص مؤلفه‌ی پرسشگری، حقیقت‌جویی، قضاوت و ارزیابی با معیار روشن بوده، لذا بهره‌مندی از متون عرفانی می‌تواند در پرورش تفکر انتقادی موثر باشد.

کلیدواژه‌ها: کلید کی کلید واژه‌ها: منطق الطیر - تفکر انتقادی - تحلیل محتوا - تحلیل مفهومی

^۱ . مدرس گروه علوم تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول) muhammadipouya@yahoo.com

^۲ . دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران sina.torkashvand663@gmail.com

^۳ . دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران mohammadi.pouya@ut.ac.ir

مقدمه

بسیاری از افراد بر نزاع بین عقل و دل تأکید دارند. این در صورتی است که این نزاع مورد تأیید بسیاری از عارفان و فیلسوفان نیست. ابن عربی برای عقل، دو حیثیت قائل است، حیثیت قبول و پذیرندگی عقل را محدود نمی‌داند و قائل است که نور ایمان همه چیز را درک می‌کند. می‌توان با نور ایمان، عقل را به گونه‌ای منور ساخت که به درک حقایق نایل شود (ابن عربی، ج ۱: ۴۴). تعمق در مساله نشان می‌دهد که عقل و دل در طول یک‌دیگرند و کشف و فهم مکمل هم خواهند بود. چگونه می‌شود، وجودی چون عقل با مرحله ارزنده‌ای از هستی که دارد، ناپسند باشد؟ وقتی وجود مساوق با خیر باشد و تشکیک در وجود پذیرفته شود، رتبه برجسته وجودی عقل نه اینکه ناپسند نیست، بلکه جلوه ارزنده‌ای از جلوات حضرت حق محسوب می‌شود. در نهج البلاغه نیز ارتباط عقل و دل مطرح و برای عقل نوعی از شهود عنوان شده است. امیرالمومنین (ع) اشراق نور روشنگر طریق، و نیل به باب‌السلامه و وصول به دارالاقامه را در اثر احیای عقل می‌دانند و عبارت «قد احیا عقله» را بیان فرموده‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲). در این عبارت شهود عقلانی، سبب نورانیت دل معرفی شده است. در تأیید این مطلب و روشن‌تر و صریح‌تر از مضامین فوق، حدیث ذیل است که از امیرالمومنین (ع) نقل شده است:

«و الله ما نزلت آیه الا و قد علمت فیهم انزلت و این انزلت ان ربی و هب لی قلیاً عقولاً و لساناً مستوولاً».

بخدا قسم آیه‌ای نازل نشد مگر آنکه می‌دانم در چه مورد و در چه جائی نازل شده است. بدرستی که خداوند به من قلب اندیشنده و زبان پرسش‌کننده هبه کرده است.

با این توضیحات و مشخص شدن همراهی عقل و دل و رفع نزاع آنها، اکنون به تفکر به عنوان فرایندی ذیل نظر عقل پرداخته می‌شود. عقل و تعقل آن فعالیت ذهنی است که روی مواد خام، از جهان طبیعت و انسان و روابط میان آن دو صورت گرفته و از جزئیات کلیات را انتزاع می‌کند و از مقدمات نتیجه به دست می‌آورد و هدف انتخاب می‌نماید و قوانین و اصول احراز شده را به موارد خود تطبیق می‌کند (جعفری، ۱۳۹۰: ۳۹).

از سوی دیگر پیغمبران، علما، فلاسفه، عرفا و ادبا، همگی به اهمیت اندیشه پرداخته‌اند. در اسلام یک ساعت تفکر مهمتر از هفتاد سال عبادت تلقی گردیده است. دانایی برای سقراط به قدری اهمیت دارد که وی خود را فیلسوف، یعنی دوستدار دانایی می‌داند (نقیب زاده، ۱۳۸۷: ۱۸). به همین سیاق،

افلاطون نیز والاترین فضیلت و هنر اخلاقی را رسیدن به دانایی می‌داند و به همین دلیل، مقام برتر تربیت، همانا رو کردن به فهم و شناسایی است (نقیب زاده، ۱۳۸۵: ۱۹). مولوی گفت "ای برادر تو همه اندیشه‌های"، دکارت جمله معروف "من فکر می‌کنم پس هستم" را نوشت و در دنیای صنعت و تولید خدمات نیز نقش اندیشه مهمتر شد و در تاریخ ملت‌ها و زندگی انسان‌ها به‌عنوان ثروت اصلی معرفی گردید (دبونو^۱، ۱۳۸۴: ۵).

صاحب‌نظران، ابعاد مختلفی را برای تفکر قائل می‌شوند (منطقی، تحلیلی، شهودی، انتقادی، خلاق) که یکی از این ابعاد، تفکر نقادانه یا انتقادی می‌باشد. ریشه‌ی کلمه‌ی انتقاد، نقد است و نقد در تمامی زبان‌های اروپایی البته با کمی تفاوت، با لغت «کریتیک^۲» شناخته می‌شود، که از واژه یونانی «کریتیس^۳» مشتق شده است و برای خود یونانیان معنایی چون «جداسازی»، «داوری» و یا حتی «دادرسی» نیز داشته است (بیجنوند، ۱۳۹۰: ۵۰). تفکر انتقادی تقریباً به معنای تفکر اندیشمندانه و منطقی است که در جهت تصمیم‌گیری برای انجام چیزی یا باور آن متمرکز است و از این اصطلاح این روزها به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌شود (انیس^۴، ۲۰۰۲). تفکر انتقادی، مهارت-های فکری و ذهنی سطح بالایی چون تأمل، اندیشه‌ورزی، استدلال، استنباط و ارزشیابی، را در برمی‌گیرد (معروفی و همکاران، ۱۳۸۸). از سوی دیگر اندیشه انتقادی و پرورش قوه تفکر که همواره مورد تأکید فلاسفه و عرفا می‌باشد، به‌عنوان هدف تعلیم و تربیت، بعد از انتشار آثار جان دیویی به‌طور روز افزون مورد توجه قرار گرفت، تا اینکه در اوایل دهه ۱۹۵۰ جنبشی تحت عنوان «نهضت تفکر انتقادی» شکل گرفت. این جنبش با دو فرض اساسی کار خود را آغاز کرد: اول این که فکر کردن، حق هر انسان است و بنابراین کودکان حق دارند در محیط مدرسه و کلاس درس به فکر کردن و اندیشه بپردازند. دوم این که کلاس درس، آزمایشگاه عقلانیت است؛ و در آن حدس‌های خردمندانه کودکان مورد آزمون قرار می‌گیرد و از این طریق، عقل آنان رشد می‌کند. اما علی‌رغم اهمیت پرورش تفکر انتقادی، نظام تعلیم و تربیت اسلامی کشورمان نتوانسته در این عرصه موفق باشد و کاستی‌های بیشماری دارد و نیازمند بهره‌گیری از متون غنی عرفانی که حاوی اندیشه‌های ناب اسلامی است می‌باشد.

¹- Edward de Bono

²- Critic

³- Crites

⁴- Ennis

از طرف دیگر منطق الطیر عطار یکی از برجسته‌ترین آثار عرفانی در ادبیات جهان است و شاید بعد از مثنوی شریف جلال الدین مولوی، هیچ اثری در ادبیات منظوم عرفانی، در جهان اسلام، به پای این منظومه نرسد و آن توصیفی است از سفر مرغان به سوی «سیمرغ» و ماجراهایی که در این راه برایشان گذشته و دشواری‌های راه ایشان و انصراف بعضی از ایشان و هلاک شدن گروهی و سرانجام رسیدن «سی مرغ» از آن جمع انبوه به زیارت سیمرغ. چرا که در این منظومه لطیف‌ترین بیان ممکن از رابطه خالق و مخلوق و دشواری‌های راه سلوک عرضه شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳: ۳۴). در واقع در این کتاب هدهد به عنوان رهبر مرغان در راه رسیدن به سیمرغ است و فرایند گفتگویی بین مرغان و هدهد شکل می‌گیرد و هر کدام از مرغان به بیان استدلال از ناتوانی رسیدن به سیمرغ می‌پردازند و هدهد به پاسخگویی و هدایت تک‌تک مرغان می‌پردازد و به نوعی آنها را به واکاوی ذهنی و حقیقت‌جویی دعوت می‌کند.

مراحل و منازل در راه پوییدن و جستن عرفان یعنی شناختن رازهای هستی در منطق الطیر عطار هفت منزل است. عطار این هفت منزل را هفت وادی یا هفت شهر عشق می‌نامد. هفت وادی به ترتیب چنین است: طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، و فقر که سرانجام به فنا می‌انجامد. در داستان منطق الطیر، گروهی از مرغان برای جستن و یافتن پادشاهشان سیمرغ، سفری را آغاز می‌کنند. در هر مرحله، گروهی از مرغان از راه باز می‌مانند و به بهانه‌هایی پا پس می‌کشند تا این که پس از عبور از هفت مرحله، از گروه انبوهی از پرندگان تنها «سی مرغ» باقی می‌مانند و با نگرستن در آینه حق در می‌یابند که سیمرغ در وجود خود آن‌هاست. در نهایت با این خودشناسی مرغان جذب جذبه خداوند می‌شوند و حقیقت را در وجود خویش می‌یابند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳).

بر همین اساس و با توجه به جایگاه فاخر شاعران و عرفا در ادبیات غنی کشور و همچنین با توجه به فلسفه و ارزش‌های اسلامی حاکم بر جامعه‌ی ما، کتاب منطق الطیر مسلماً می‌تواند یکی از منابع تاثیرگذار در تعلیم و تربیت اسلامی باشد که در حکایات و تمثیل بی‌شماری به اهمیت تفکر و تدبیر فراخوانده است. لذا با دقت نظر به اهمیت کتاب منطق الطیر که به گونه‌ای تمثیلی، انسان‌ها را به پرندگان تشبیه کرده و فرایندی حقیقت‌جویانه را ترسیم می‌کند که طی آن مهارت‌هایی مانند کنجکاو، پرسشگری، قضاوت صحیح و... مورد تاکید قرار می‌گیرد، می‌توان آن را گونه‌ای نقادانه اندیشی دانست که بر مهارت‌هایی از جنس تفکر انتقادی دلالت دارد. از طرف دیگر با توجه به

ضرورت پرورش مهارت تفکر انتقادی^۱ در دنیای امروزی (آندولینا^۲، ۲۰۰۱)، می‌توان منطق الطیر را داستانی بلند در راستای پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی در فراگیران در نظر گرفت. به همین دلیل پژوهش حاضر در پی آن است که ابتدا به تحلیل چستی تفکر انتقادی پرداخته و سپس مصادیق تفکر انتقادی را از این منبع عرفانی استخراج نماید تا با این کوشش، دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت را جهت بهره‌گیری بیشتر از منابع ادبیاتی و عرفانی در پرورش مهارت تفکر انتقادی در نظام تعلیم و تربیت جوامع انسانی و بخصوص اسلامی یاری رساند.

سوالات پژوهش:

۱- مولفه‌های تفکر انتقادی بر مبنای دیدگاه صاحب‌نظران کدامند؟

۲- نتایج حاصل از تحلیل محتوای منطق الطیر عطار نیشابوری بر مبنای مولفه‌های تفکر

انتقادی چه می‌باشد؟

در رابطه با تفکر انتقادی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که به اختصار نمونه‌هایی آورده شده است. در پژوهشی که توسط هاشمیان نژاد (۱۳۸۰) انجام شده است، هشت مهارت: (۱) سؤال کردن (۲) تحلیل کردن (۳) ارزیابی (۴) ارتباط دادن (۵) استدلال کردن (۶) سازماندهی مفاهیم علمی مربوط (۷) کاربرد واژگان انتقادی (۸) فراشناخت، برای تفکر انتقادی در نظر گرفته شده است. بفاکون (۱۹۹۰) مطالعه‌ای با عنوان "رسیدن به یک مفهوم‌سازی مشترک در مورد تفکر انتقادی"، براساس تکنیک دلفی بصورت بین رشته‌ای انجام داد که ۴۶ متخصص تفکر انتقادی در آن شرکت داشتند. یافته‌ها، یک توافق مفهومی را در مورد تفکر انتقادی که دارای دو بعد گرایش عاطفی و مهارت شناختی بود، نشان می‌دهد. در این مطالعه جستجوی حقیقت، داشتن ذهن باز، تحلیلی بودن، سیستماتیک بودن، کنجکاوی، اعتماد به خود و... از بعد عاطفی تفکر انتقادی و فرایندهای شناختی مانند مشاهده شواهد، انتخاب اطلاعات مرتبط، تمایز بین حقایق مربوط و نامربوط، تحلیل و بررسی اعتبار منابع و غیره جزء مهارت‌های شناختی تفکر انتقادی بودند (به نقل از دام و وولمن، ۲۰۰۴). گیلفورد و همکاران (۲۰۰۴) بر این باورند که ضرورت پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی از طریق برنامه‌ی درسی به یکی از عمده‌ترین مقاصد تربیتی کشورها تبدیل شده است. از طرف دیگر،

^۱- Critical Thinking Skill

^۲- Andolina

در سالهای اخیر، متخصصان علوم تربیتی در مورد نارسایی توانایی فراگیران در امر تفکر انتقادی، ابراز نگرانی کرده‌اند (بیجنوند و رهنما، ۱۳۹۰).

در زمینه کتاب منطق الطیر نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته که مهم‌ترین آنها عبارتند از: قاسم زاده و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به این یافته‌ها رسیدند که سخن عطار، شعر محض نیست و شاعر تنها در پی آفرینش زیبایی‌های ادبی نبوده است، بلکه او اندیشه‌ها و تجربیات معرفت‌شناسانه خود را در قالب زبان و بیانی شاعرانه ارائه کرده است و با توسل به زبان رمزی و تمثیلی، از جدایی ناپذیری کلام و اندیشه انسانی از امور قدسی و معنوی سخن می‌راند. رضی و اکبرآبادی (۱۳۸۹) به بررسی منطق گفتگو در منطق الطیر پرداختند. این مقاله همچنین درصدد بود تا با بازخوانی منطق الطیر عطار براساس منطق گفتگویی میخاییل باختین، میزان همخوانی این تئوری را با روایت عطار از سیر پرندگان به سوی سیمرغ، بررسی و تحلیل نماید. این بررسی نشان می‌دهد که عناصری همچون حقیقت‌مداری، وحدت‌گرایی و رابطهٔ مرید و مرادی، از منطق الطیر متنتیت یک-صدایی می‌سازد، اما مواردی وجود دارد که این متن را چندصدا کرده است؛ از جملهٔ این موارد، پیشبرد روایت با تکیه بر گفتگوست که موجب می‌شود صدای شخصیت‌های دیگر نیز در کنار صدای نویسنده شنیده شود. مسعودی‌فر (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی معتقد است که در چالش میان سنت و مدرنیته، انسان دچار بحران هویت می‌شود؛ بحرانی که در جهان معاصر بسیار جدی است و همه وجوه زندگی انسان معاصر را درگیر خویش ساخته است. برای غلبه بر این بحران باید سنت را دقیق شناخت و به نقد آن پرداخت و با بازخوانی سنت برای مواجهه با مدرنیته آماده شد.

آنچه از مجموعه پژوهش‌ها پیرامون کتاب منطق الطیر به دست می‌آید نشان دهنده تأکید بر تفکر و عقلانیت است و بر پیوند میان عرفان و تعقل تأکید شده است که می‌تواند در تحلیل و تبیین مولفه‌های تفکر انتقادی مثرترم واقع گردد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، تحلیل محتوای کیفی و مفهومی بوده است که طی آن متن کامل کتاب منطق الطیر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. به این صورت که از فرم واریسی باز و بدون پیش-سازمان یافتگی جهت تحلیل منطق الطیر بر مبنای مولفه‌های تفکر انتقادی استفاده شده است؛ که در ابتدا با مشخص کردن دیدگاه فلاسفه و اندیشمندان به تبیین مولفه‌های تفکر انتقادی پرداخته شده، سپس چند مکان برای ثبت مولفه‌های تفکر انتقادی و همچنین آدرس ابیات منطق الطیر تعبیه شده بود. واحد تحلیل محتوا، مجموعه‌ی حکایات و تمثیل‌های مربوط به داستان مرغان و حکایت‌های آموزنده در منطق الطیر بوده است. روایی صوری و محتوایی فرم فهرست واریسی، به وسیله متخصصان ادبیات فارسی و علوم تربیتی به دست آمده و به منظور پایایی آن، فرم نهایی تهیه و به طور هم‌زمان و جداگانه در اختیار دو گروه سه نفره متخصص تحلیل گر محتوا قرار داده شد که به صورت مجزا چند حکایت و تمثیل از کتاب منطق الطیر عطار را تحلیل کنند. ضریب همبستگی داده‌های حاصل از تحلیل‌های انجام شده، محاسبه شد که نتایج به دست آمده شامل ضریب همبستگی ۰/۸۸، بوده است.

در ادامه فرایند پژوهش بدین صورت بود که پس از مشاهده حکایات و تمثیل‌های مرتبط با مولفه‌های تفکر انتقادی، موارد فوق به تفکیک و با توجه به مکان‌های تعبیه شده در ابزار پژوهش، درج گردید. روش تحلیل داده‌ها نیز به این صورت بوده است که متن ابیات به تفکیک در زمینه‌های مرتبط با مؤلفه‌ها، طبقه‌بندی شده و در جداول مرتبط منعکس شده است.

۱- یافته‌ها

۱-۲- مؤلفه‌های اساسی تفکر انتقادی از منظر صاحب‌نظران

در این بخش به بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران در زمینه‌ی تفکر انتقادی می‌پردازیم و به‌منظور نظم‌بخشی به مباحث، در جدول شماره ۱ دیدگاه‌ها را مطرح کرده و در جدول شماره ۲ به تبیین مؤلفه‌های اساسی تفکر انتقادی می‌پردازیم.

جدول ۱- مفهوم تفکر انتقادی

صاحب نظران	مفهوم تفکر انتقادی
سقراط	- پرسش سؤالات عمیق (شهایی، ۱۳۸۴) - روش گفتگوی اکتشافی (جانسون، ۲۰۰۲) - تحلیل و ارزیابی؛ "زندگی ارزیابی نشده ارزش زیستن ندارد". (عباسی یادکوری، ۱۳۸۱) - بررسی خود و دیگران در مسیر جستجوی حکمت (شاقول و محسنی، ۱۳۸۸)
افلاطون	- روشن اندیشی (ویل دورانت، ۱۳۸۰)
ارسطو	- باریک بینی و با صراحت جزئیات را مورد توجه قرار دادن، دانستن اینکه چگونه باید سؤال پرسید (توانایی درست و شفاف پرسیدن)، عبرت گرفتن از تحلیل تجربیات گذشته (ویل دورانت، ۱۳۸۰)
کانت	- کریتیسیسم مقابل دکماتیسم (شاقول و محسنی، ۱۳۸۸) - قوه‌ای اصلی و بنیادین برای تعیین محدودیت‌ها و امکانات شناختی ما (کاسیرر، ۱۳۷۰) - شناخت حدود و مرز توانایی‌های فاعل ادراک (شاقول و محسنی، ۱۳۸۸)
دکارت	- خودداری از شتابزدگی و رهایی از پیش‌داوری و پذیرفتن آنچه که روشن و متمایز به اندیشه درآید، تقسیم کردن یک مشکل به اجزای آن برای حل ساده‌تر آن، نظم در اندیشه‌ها و حرکت از ساده‌ترین موضوعات به سوی پیچیده‌ترین آنها (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱)
راسل	- تردید سازنده - تأکید بر قضاوت درست (ویل دورانت، ۱۳۸۰)
فیشر	- تفسیر، تجزیه و تحلیل، و ارزیابی نظرها و بحث‌ها (فیشر، ۲۰۰۱)
هالونن	- مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی (هالونن، ۱۹۹۵)
استونر	- استنباط، تحلیل، ارضیایی، استدلال استقرایی و استدلال قیاسی (شریعتمداری، ۱۳۷۸)
اودی	- مباحثات دقیق - ارائه‌ی مثال‌های ظریف، پردازش معادلاتی شفاف (اودی، ۲۰۰۲).
مایرز	- توانایی طرح پرسشهای مرتبط، نقد و بررسی راه‌حل‌ها بدون مطرح نمودن جایگزین‌ها، قدرت تنظیم کلیات (توانایی ایجاد یک چارچوب تحلیلی)، پذیرفتن احتمالات نوین (پرهیز از پیش-داوریه)، توقف داوری (تردید سالم، پرهیز از تعجیل در قضاوت)، شناسایی استدلال‌های غلط، پرهیز از تناقضات و مفروضات اظهار شده و اظهار نشده در بحث‌های دیگران، عدم هیجان عاطفی هنگام روبرو شدن با مسأله (مایرز، ۱۳۸۶)
جان دیوئی	- قضاوت معلق یا تردید سالم (نقد سازنده)، پرهیز از تعجیل در قضاوت (مایرز، ۱۳۸۶: ۱۵)
وینینگهام و پروسر	- قرار گرفتن در جریان یک مسأله به شیوه‌ای مؤثر و سازماندهی شده و فکر کردن درباره‌ی آن مسأله (وینینگهام و پروسر، ۲۰۰۱).
وولفولک	- ارزیابی (وولفولک، ۲۰۰۱)
سیفرت	- نگاهی تیزبینانه (سیفرت، ۱۹۹۱)
هالپرن	- بالا بردن احتمال دستیابی به بازده مطلوب، با استفاده از استراتژی‌ها یا مهارت‌های شناختی،

<p>مرتبط با سطوح بالای طبقه‌بندی بلوم یعنی تحلیل و ترکیب و ارزیابی (هالپرن، ۱۹۹۸) - تفکری منطقی، منظم و هدف‌دار، شامل حل مسأله، فرمول‌بندی نتایج، محاسبه احتمالات و تصمیم‌گیری (یا پاستفانو، ۲۰۰۴)</p>	
<p>- توانایی استنباط، شناسایی مفروضات، استنتاج، تعبیر و تفسیر و ارزشیابی استدلال‌های منطقی (واتسون و گلیرز، ۱۹۸۰)</p>	<p>واتسون و گلیرز</p>
<p>- گستردگی فکر (ذهن باز)، ایجاد موقعیت تازه و یا تغییر موقعیت (انعطاف‌پذیری)، جستجوی «جایگزین» های متفاوت، جستجوی دلیل و مدرک، خارج نشدن از موضوع اصلی (ارنشتاین و هانکینس، ۱۳۷۳) - دقت در تجزیه و تحلیل مباحث، جستجوی شواهد ارزشمند، قضاوت و نتیجه‌گیری سالم، دوری از اغراض شخصی و مأمور به صراحت و دقت (انیس، ۱۹۸۵) - تشخیص اطلاعات مرتبط، اتخاذ راهبردهای مناسب برای یافتن اطلاعات، ارزیابی منابع اطلاعاتی، سازماندهی اطلاعات، قضاوت با معیار روشن، تحلیلی بودن (تجزیه و تحلیل)، طرح سؤالات مسأله برانگیز، استدلال - استفاده از روش منظم در بحث، احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها (حتی اگر مخالف باشند)، جستجوی فرضیه‌ها، صداقت و صراحت، خودآگاهی در مورد عقاید - علاقه‌مند به سعادت دیگران (انیس، ۲۰۰۲) - تمایل به وضوح و شفافیت در گفتگو، کل‌نگری و به حساب آوردن یک موقعیت کلی، جستجو و پیشنهاد دلایل، جستجوی راه‌های گوناگون و متناوب، موضع‌گیری و تغییر وضع با مدارک و دلایل کافی (انعطاف‌پذیری)، قضاوت درباره صحت نتیجه‌گیری‌ها، قضاوت درباره اعتبار مشاهدات، قضاوت درباره مفروضات (اسمیت و فرانک، ۱۹۹۲: ۹۷؛ به نقل از شعبانی، ۱۳۷۸: ۳۵) - استدلال و نگاهی تیزبینانه (انیس، ۱۹۸۵: ۴۶)</p>	<p>رابرت انیس</p>
<p>- داشتن توانایی‌هایی مانند: شک‌گرایی معقول، سعه‌ی صدر، آزاد اندیشی، ارزشمداری، استدلال، پرسشگری، دقت و صراحت، توجه به جنبه‌های مختلف (تحلیلی بودن)، تغییر موقعیت و موضع فکری در صورتی وجود دلایل صحیح (انعطاف‌پذیری)، فکر باز، احترام به شواهد و استدلال‌ها، ارزشیابی، استنباط، قضاوت نتیجه‌گیری (شهابی، ۱۳۸۴ و سنه، ۱۳۸۵)</p>	<p>بیبیر</p>
<p>- یافتن اطلاعات به طور قانونی و اخلاقی و استفاده از آنها (اندولینا، ۲۰۰۱، به نقل از ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶)</p>	<p>اندولینا</p>
<p>- داشتن توانایی‌هایی مانند: طرح سؤال (پرسشگری)، تعریف یک مسأله، بررسی شواهد و قرائن، تجزیه و تحلیل محفوظات و سوگیری‌ها، اجتناب از استدلال عاطفی، پرهیز از ساده سازی مسائل، توجه به سایر تفسیرها، پذیرش شک و تردید (شهابی، ۱۳۸۴)</p>	<p>وید</p>
<p>- یادداشت برداری از مطالب مهم، بحث با دیگران و کشف مسائل با همفکری آنها، یافتن ابهامات و ضعف مباحثه با دیگران، آزمودن فرضیات دیگران، تشخیص حقیقت از میان نظرات شخصی، مطالعه و بررسی شواهد، نتیجه‌گیری از داده‌ها در تصمیم‌گیری‌هایی براساس حقیقت و نه احساسات، استفاده از اطلاعات جدید و مروری بر تصمیمات گذشته (بیرجندی و نائینی، ۱۳۸۶)</p>	<p>هانی</p>

<p>- سازماندهی و طبقه‌بندی افکار به شکلی آگاهانه و مرتبط، تمایز منطقی قابل شدن بین نتایج متغیرها و نامتغیرها، مسکوت گذاشتن قضاوت در نبود مدارک کافی، برای حمایت از اندیشه-ها، تلاش برای پیش بینی نتایج محتمل بر سر دوراهی‌ها، توانایی یادگیری مستقل و شوق همیشگی و دائمی برای انجام آن، حساسیت داشتن نسبت به تفاوت بین باورهای گوناگون، تشخیص احتمال خطای نظر شخص: احتمال اشتباه در عقاید و خطر سبک، سنگین کردن وقایع با توجه به منافع شخصی (اسکیفرزمن، ۱۹۹۱).</p>	<p>نیکرسون</p>
<p>- توانایی تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استنتاج، تشریح و خودنظم دهی (لیپ و بیزلی، ۲۰۰۴).</p>	<p>لیپ و بیزلی</p>
<p>- هنر اندیشیدن درباره‌ی تفکرات خود (گلن، ۱۹۹۵) - توانایی پذیرش مسئولیت پیامدهای تفکرات خویش (پائول، ۱۹۹۴)</p>	<p>ریچارد پائول</p>
<p>- با اهمیت پنداشتن تفکرات خود، توسعه عادات خاص درست اندیشیدن (پائول و الدر، ۲۰۰۰) - داشتن توانایی‌هایی مانند: شفافیت، دقت، عمق، وسعت (گستره)، منطق، روشنی (بیطرفی) در تفکر (به نقل از لیپ و بیزلی، ۲۰۰۴)</p>	<p>ریچارد پائول و لیندا الدر</p>
<p>- پشتکار فوق العاده برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط به یک موضوع، انتخاب بر اساس دلایل مستدل، برخورداری از روحیه‌ی کنجکاوی و کارآگاهی، محتاط و صادق در قضاوت، شفاف و مستدل در بحث (فاکون و همکاران، ۱۹۹۵)</p>	<p>فاکون و همکاران</p>
<p>- تخمین زدن، ارزشیابی، طبقه‌بندی کردن، فرض کردن، استنتاج منطقی، درک اصول، توجه به روابط متقابل، پیشنهاد با دلیل و قضاوت با معیار (لیپمن، ۱۹۹۶) - حرکت از تفکر بر پایه‌ی ملاک‌های ذهنی به سمت تفکر بر پایه‌ی ملاک‌های عینی، حرکت از حدس زدن به سمت تخمین زدن، حرکت از ترجیح دادن به سمت ارزشیابی کردن، حرکت از باور کردن به سمت فرض نمودن، حرکت از توجه به ارتباطات به سمت توجه به روابط متقابل، حرکت از پیشنهاد بدون دلیل به سمت پیشنهاد با دلیل، حرکت از قضاوت بدون معیار به سمت قضاوت با معیار (ارنشتاین و هانکینس، ۱۳۷۳).</p>	<p>لیپمن</p>
<p>- داشتن توانایی‌هایی مانند: ذهن باز، انعطاف‌پذیری، عدم سوگیری شخصی، تعقل در قضاوت کردن، بررسی مجدد، روشن‌اندیشی، نظم در موضوعات پیچیده، پشتکار در جستجوی اطلاعات مناسب، انتخاب مستدل (کلارک و هولت، ۲۰۰۱).</p>	<p>کلارک و هولت</p>
<p>- داشتن توانایی‌هایی مانند: کنجکاوی اندیشمندانه، عینت‌گرایی، گستردگی فکر (ذهن باز)، انعطاف‌پذیری - شک‌گرایی معقول، صداقت خردمندانه، روشمند بودن، استقامت و تلاش برای حل مشاجرات، احترام قائل شدن به سایر دیدگاه‌ها (چمستر و جانسون، ۱۹۹۲: ۷-۶؛ به نقل از ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶).</p>	<p>چمستر و جانسون</p>
<p>- تشخیص و مورد پرسش قرار دادن فرض‌ها، آگاه شدن از شرایطی که در آن عمل می‌کنید) یعنی فرهنگی که محیط بر زندگی شماست، تصور و کشف گزینه‌های دیگر یعنی شیوه‌های جدید تفکر و عمل کردن، گسترش شک‌گرایی اندیشمندانه، اجتناب از پیش‌بینی آینده، توجه به تناقضات درونی یک بحث (برک، ۲۰۰۳).</p>	<p>برک</p>
<p>- توانایی استدلال صحیح، تمایل ذاتی به مورد تطبیق قرار دادن قضاوت و عمل با قاعده‌ی</p>	<p>هاروی سیگل</p>

	کلی، ترکیبی غنی از تمایلات، عادات ذهنی، ارزش‌ها، ویژگی‌های شخصیتی و احساساتی (سیگل، ۱۹۸۸)
فاکون	- قضاوتی خود تنظیمی منجر به تفسیر و تحلیل و ارزشیابی و استنباط به همراه تبیین مفهومی، کنجکاو، ذهن باز، انعطاف‌پذیری، دوراندیشی در قضاوت، منصف و عادل در ارزشیابی، صداقت در سوگیری‌های شخصی، تمایل به بازبینی مجدد، دارای حسن ظن، شفافیت در مواجهه با مسائل پیچیده سازمان یافته، مستدل در انتخاب، پشتکار تا حصول به نتیجه (فاکون، ۱۹۹۰: ۱۳).
اسمیت	- تشخیص دیدگاه‌های اساسی یک مسأله، مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌ها، تشخیص اطلاعات مربوط به یک مسأله، تشخیص عوامل احساسی، تبلیغاتی، و مطالب سوگیری شده، پیش‌بینی نتایج احتمالی (اسمیت، ۱۹۹۲: ۶؛ به نقل از شعبانی، ۱۳۷۸: ۳۴).
گلن	- توانایی سمت و سوی فلسفی دادن به تفکر (گلن، ۱۹۹۵).
دورون و همکاران	- توانایی فرد برای تحلیل و ارزشیابی اطلاعات، برانگیختن سؤالات اساسی تنظیم صریح آنها، جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات مرتبط، فکر کردن با ذهن باز، ارتباط اثربخش با دیگران (دورون و همکاران، ۲۰۰۶) (به نقل از بیجنوند و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به جدول بالا، مؤلفه‌های بسیاری را می‌توان برای تفکر انتقادی تبیین نمود. لذا مؤلفه‌هایی که در بین صاحب‌نظران مختلف، بیشتر مورد تأکید بوده را استخراج کرده و با توجه به همپوشانی تعدادی از آنها در معنا و قابل پیگیری بودن در کتاب منطق الطیر، در نهایت ۹ مؤلفه جهت تحلیل محتوای منطق الطیر، مشخص شد که عبارتند از: پرسشگری، قضاوت با معیار روشن، استدلال، تجزیه و تحلیل، بی‌طرفی، روشمندی، عینیت‌گرایی، حقیقت‌جویی، انعطاف‌پذیری.

جدول ۲- مولفه‌های اساسی تفکر انتقادی

مؤلفه ها	صاحب‌نظران
قضاوت و ارزیابی با معیار روشن	سقراط- افلاطون- ارسطو- راسل- فیشر- مایرز- وولفولک- واتسون و گلایزر- انیس- بییر- نیدلر- هانی- نیکرسون- لیپ و بیزلی- فاکون و همکاران- لیپمن- کلارک و هولت- فاکون- اسمیت- دکارت- دیوئی
پرسشگری	سقراط- مایرز- انیس- بییر- نیدلر- وید- اسمیت
استدلال	مایرز- انیس- بییر- وید- فاکون و همکاران- لیپمن- کلارک و هولت- سیگل
حقیقت جویی	سقراط- هانی- اسمیت
تجزیه و تحلیل	سقراط- دکارت- فیشر- مایرز- انیس- بییر- نیدلر- وید- هانی- لیپ و بیزلی- اسمیت
عینیت‌گرایی (روشن اندیشی)	افلاطون- ارسطو- اودی- انیس- بییر- پائول و الدر- کلارک و هولت- فاکون- اسمیت
بی‌طرفی	ارسطو- راسل- مایرز- سیفرت- انیس- نیدلر- وید- نیکرسون- پائول و الدر- کلارک و هولت- فاکون
انعطاف‌پذیری	مایرز- انیس- بییر- کلارک و هولت- چمستر و جانسون- فاکون
روشنمندی	دکارت- لیپ و بیزلی- فاکون

۲-۲- مولفه‌های تفکر انتقادی در منطق الطیر عطار

در این بخش با توجه به مؤلفه‌های تبیین شده‌ی تفکر انتقادی، در صدد پی‌جویی و شناسایی مصادیق تفکر انتقادی در منطق الطیر بوده و پس از ذکر هر مؤلفه، مصادیقی از حکایات و تمثیل منطق الطیر را برای تبیین آن مؤلفه‌ها مطرح می‌کنیم. لازم به ذکر است جهت کیفیت بخشی به تبیین مصادیق مرتبط با مؤلفه‌ها، بررسی تخصصی در مورد مؤلفه‌ها و چپستی هر یک از آنها از دیدگاه متخصصین انجام شده است و با در نظر گرفتن ویژگی‌های هر مؤلفه به تبیین مصادیق پرداخته شده است به نحوی که هر یک از مصادیق، بیشترین ارتباط را با مؤلفه‌ها داشته باشند. لذا در ذیل هر مؤلفه به تعدادی از مصادیق اشاره خواهد شد و در پایان مولفه‌ها در جدولی جداگانه، تمامی مصادیق استخراج شده در مورد هر مؤلفه ذکر خواهد شد.

۱- پرسشگری

مولفه پرسشگری در کتاب منطق الطیر به کرات مورد استفاده قرار گرفته است و این نشانگر توجه عطار به فرایند گفتگو است. سراسر کتاب نمایانگر پرسشگری مرغان از هدهد که نماینده رهبر و شناسنده راه است و بیانگر اهمیت پرسشگری در این منبع غنی عرفانی است که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:

«چون مرا خواهند کشتن ناصواب/ یک سوالم را به لطفی ده جواب/ چون مرا سر می‌بریدی رایگان/ از چه خندیدی تو در من آن زمان؟/ گفت چون می‌دیدمت بس بی هنر/ بر تو می‌خندیدم آن ای بی خبر» (ابیات ۷۹۸-۷۹۹).

«کرد شاگردی سوال از اوستاد/ کز بهشت آدم چرا بیرون فتاد؟» (الحکایت و التمثیل، بیت ۸۴۱).
 «کرد از دیوانه ای مردی سوال/ کاین دو عالم چیست با چندین خیال؟/ گفت کاین هر دو جهان بالا و پست/ قطره ای آب است نه نیست و نه هست» (ابیات، ۸۶۶-۸۶۷). «گفت فرزندش کزو کردم سوال/ کز چه اینجا آمدی؟ برگوی حال/ گفت: زر بنهادام این جایگاه/ می‌ندانم تا بدو کس یافت راه/ گفت آخر صورت موش چراست؟/ گفت: هر دل را که مهر زر بخاست {حشر او بر صورت موشی بود/ هر زمان از حسرتش جوشی بود}/ صورتش این است، در من می‌نگر/ پند گیر و زر بیفکن ای پسر» (ابیات، ۱۰۲۶-۱۰۳۰). پرسش‌هایی که در کتاب منطق الطیر مورد توجه قرار گرفته است بر فرایند پرسش و پاسخ دوسویه و بر تعامل پرسشگر و پاسخ‌دهنده تاکید شده است که مطابق با مولفه پرسشگری در تفکر انتقادی می‌باشد.

۲- حقیقت جویی

اگر بخواهیم به صورت کلی در مورد بررسی کتاب منطق الطیر نظر بدهیم، باید گفت که سرتاسر این کتاب عرفانی اشاره به حقیقت جویی دارد و اساساً کار عارف نیز چیزی جز تکاپو برای رسیدن به حق تعالی و حقیقت اصلی نیست. بر همین اساس ابتدا به ذکر چند نمونه از ابیات منطق الطیر در باب حقیقت جویی پرداخته می‌شود و سپس برای پرهیز از طولانی شدن، فقط آدرس ابیات آورده خواهد شد.
 «خورد بر یک جایگه روزی بلال/ بر تن باریک صد چوب و دوال/ خون روان شد زو، ز چوب بی عدد/ همچنان می‌گفت احد، می‌گفت احد» (حکایت، ابیات ۵۶۵-۵۶۶). «هدهدش گفت ای ز خود گم کرده راه/ هر که خواهد خانه‌ای از پادشاه/ گوی نزدیکی او این زان به است/ خانه‌ای از حضرت

سلطان به است/ خانه نفس است خلد پر هوس/ خانه دل مقعد صدق است و بس/ حضرت حق است دریای عظیم/ قطره‌ای خرد است جنات النعیم» (حکایت طاووس، ابیات ۸۳۲-۸۳۵).

۳- قضاوت و ارزیابی با معیار روشن

جایی جای کتاب منطق الطیر نمایانگر توصیه به قضاوت و ارزیابی با معیار روشن است و از افراط و تفریط برحذر می‌دارد و تاکید می‌کند که قضاوت‌ها مبتنی بر تفکر و معیار روشن باشد. در واقع می‌توان گفت قضاوتی درست خواهد بود که مبتنی بر اصول حقیقت‌جویی باشد که نمونه‌هایی آن عبارتند از:

«خورد عیاری بدان دلخسته باز/ با وثاقش برد دستش بسته باز/ شد که تیغ آرد زند بر گردنش/ پاره‌ای نان داد آن ساعت زنش/ چون بیامد مرد با تیغ آن زمان/ دید آن دلخسته را در دست نان/ گفت این نانت که دادی ای هیچ کس؟/ گفت این نان را عیالت داد و بس/ مرد چون بشنید آن پاسخ تمام/ گفت بر ما شد تو را کشتن حرام/ زان که هر مردی که نان ما شکست/ سوی او با تیغ نتوان برد دست/ نیست از نان خواره ما جان دریغ/ من چه گونه خون او ریزم به تیغ» (حکایت و تمثیل، ابیات ۲۴۵-۲۵۱). نومربدی داشت اندک مایه زر/ کرد زر پنهان ز شیخ خود مگر/ شیخ می‌دانست چیزی می‌نگفت/ همچنان می‌داشت او زر در نهفت/ آن مرید راه و پیر راهبر/ هر دو می‌رفتند با هم در سفر/ وادی‌شان پیش آمد بس سیاه/ واشکارا شد در آن وادی دو راه/ مرد می‌ترسید زان کش بود زر/ مرد را رسوا کند بس زود زر/ شیخ را گفتا: چو پیدا شد دو راه/ در کدامین ره رویم این جایگاه؟/ گفت معلومت بیفکن کان خطاست/ پس به هر راهی که خواهی شد، رواست» (حکایت و تمثیل، ابیات ۲۱۲۰-۲۱۲۶). در تبیین این ابیات می‌توان گفت عطار در حکایات و تمثیل منطق الطیر سعی در نفی تصمیم عجولانه و شتابزده را دارد و تاکیدش بر قضاوت و ارزیابی با معیارهای روشن است.

۴- عینیت‌گرایی

واقع‌گرایی و روشن‌اندیشی نیز در حکایات و تمثیل عطار به وفور تاکید شده است. عینیت‌گرایی در کتاب منطق الطیر با بینش و بصیرت دینی گره خورده است و در بیشتر حکایات به واقع‌گرایی دینی اشاره شده است که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:

«در نگر اول که با آدم چه کرد/ عمرها بر وی در آن ماتم چه کرد/ باز بنگر نوح را غرقاب کار/ تا چه برد از کافران سالی هزار...» (ابیات ۱۹۸-۲۱۵). غافل شد پیش آن صاحب چله/ کرد از ابلیس

بسیاری گله/ گفت ابلیس ز از تلبیس راه/ کرد دین بر من به طراری تباہ/ مرد گفتش ای جوامرد عزیز/ آمده بد، پیش ازین، ابلیس نیز/ مشتکی بود از تو و آزرده بود/ خاک از ظلم تو بر سر کرده بود/ گفت دنیا جمله اقطاع من است/ مرد من نیست آن که دنیا دشمن است/ تو بگو او را که عزم راه کن/ دست از دنیای من کوتاه کن/ من به دینش می‌کنم آهنگ سخت/ زان که در دنیای من زد چنگ سخت/ هر که بیرون شد ز اقطاعم تمام/ نیست با او هیچ کارم والسلام» (ابیات، ۲۰۴۷-۲۰۵۴).

۵- استدلال

مولفه استدلال در کتاب منطق الطیر با استدلال منطقی و عقلانی پیوند خورده است و عطار در جایی جای کتاب خود دعوت به استدلال کرده و از تعصب و خشک‌اندیشی دوری جسته است. نمونه‌هایی از این ابیات عبارتند از:

«ای گرفتار تعصب مانده/ دایما در بغض و در حب مانده/ گر تو لاف از عقل و از لب می‌زنی/ پس چرا دم از تعصب می‌زنی؟» (ابیات، ۴۷۹-۴۸۰). «آن که در جانش چنین شوری بود/ در دلش کی کینه موری بود/ در تعصب می‌زند جان تو جوش/ مرتضا را جان چنین نبود، خموش! / مرتضا را می‌مکن با خود قیاس/ زان که در حق غرق بود آن حق شناس» (ابیات ۵۵۰-۵۵۲). «گفت فرزندش کزو کردم سوال/ کز چه اینجا آمدی؟ برگوی حال/ گفت: زر بنهادم این جایگاه/ می‌ندانم تا بدو کس یافت راه/ گفت: آخر صورت موشت چراست؟ / گفت: هر دل را که مهر زر بخاست / حشر او بر صورت موشی بود / هر زمان از حسرتش جوشی بود / صورتش این است، در من می‌نگر/ پند گیر و زر بیکفن ای پسر» (حکایت و تمثیل، ابیات، ۱۰۲۶-۱۰۳۰).

دقت در ابیات منطق الطیر نشان‌دهنده آن است که عطار همواره سعی در روشنگری همراه با استدلال صحیح را دارد و از تعصب خشک همواره دوری می‌کند، چرا که تعصب خشک مانع تفکر است.

۶- تجزیه و تحلیل

تحلیل حکایات و تمثیل منطق الطیر نشانگر توجه به فرایند تجزیه و تحلیل و همچنین بیان چگونگی تحلیل‌های منطقی است. نمونه‌های از حکایات به صورت ذیل آورده شده است.

«زان که جانت ذوق دین نشناخته ست/ نفس تو از تو خری بر ساخته ست/ وانگهی بر تو نشسته، ای امیر/ تو شده در زیر بار او اسیر/ بر سرت افسار کرده روز و شب/ تو، به امر او، فتاده در طلب/ هرچه فرماید تو را ای هیچ کس/ کام و ناکام آن توانی کرد و بس/ لیک من چون سرّ دین بشناختم/ نفس سگ را هم خر خود ساختم» (حکایت و تمثیل، ابیات ۲۰۱۷-۲۰۲۱).

عطار در بیان تمثیل و حکایات سعی کرده است که به تجزیه و تحلیل وقایع بپردازد و در آنجایی که مرغان از همراهی با همداد عذر می‌آورند، همداد به تجزیه و تحلیل دیدگاه هریک از مرغان می‌پردازد و آنها را اقناع می‌کند.

۷- بی طرفی

بی طرفی و تکیه بر عقل و عرفان نیز در کتاب منطق الطیر به عنوان یکی از مولفه‌های تفکر انتقادی آورده شده است که با بررسی ابیات گوناگون به خوبی قابل تحلیل است.

«چون به سوی غار می‌شد مصطفا/ خفت آن شب بر فراشش مرتضا/ کرد جان خویش حیدر نثار/ تا بماند جان آن صدر کبار» (حکایت، ابیات ۵۷۳-۵۷۴). «در سرم از عشق گل سودا بس است/ زان که مطلوبم گل رعنا بس است/ طاقت سیمرغ نارد بلبلی/ بلبلی را بس بود عشق گلی» (حکایت بلبل، ابیات ۷۶۶-۷۶۷).

۸- انعطاف‌پذیری

یکی از مولفه‌های تفکر انتقادی، انعطاف‌پذیری است که در حکایات و تمثیل منطق الطیر به آن اشاره شده است و این انعطاف‌پذیری هم در جنبه عرفانی و دینی و هم در زندگی روزمره برای حل مشکلات به کار رفته است.

«نیست در من این فضولی ای اله/ از تعصب دار، پیوستم، نگاه/ پاک گردان از تعصب جان من/ گو مباش این قصه در دیوان من» (حکایت، ابیات ۶۱۵-۶۱۶).

«دردمندی پیش شبلی می‌گریست/ شیخ پرسیدش که این گریه ز چیست؟/ گفت: شیخا دوستی بود آن من/ از جمالش تازه بودی جان من/ دی بمرد و من بمردم از غمش/ شد جهان بر من سیاه از ماتمش/ شیخ گفتا چون دلت بی خویش ازینست/ این چه غم باشد سزایت بیش از اینست/ دوستی دیگر گزین ای یار تو/ کو نمیرد، تا نمیری زار تو» (حکایت و تمثیل، ابیات ۲۲۵۹-۲۲۶۶).

۹- روشمندی

کتاب منطق الطیر را می‌توان به عنوان یک کتاب روشی نیز به حساب آورد که با معرفی هفت وادی رسیدن به حق تعالی در صدد ارائه روشی عرفانی برای سالکان است، اما در میان حکایات و تمثیل به نمونه‌هایی از روشمندی در زندگی روزمره نیز می‌پردازد که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:

«در بر شیخی، سگی می‌شد پلید/ شیخ ازان سگ هیچ دامن بر نچید/ سالیلی گفت: ای بزرگ پاکباز/ چون نکردی زین سگ آخر احتراز/ گفت: این سگ ظاهری دارد پلید/ هست آن در باطن من

ناپدید/ آنچه او را هست با ظاهر عیان/ این گدا را هست در باطن نهان/ چون درون من چو بیرون
 سگ است/ چون گریزم زو که با من هم تگ است»(حکایت و تمثیل، ابیات ۲۹۶۸-۲۹۷۲).
 بر مبنای این ابیات می‌توان گفت که عطار همواره بر روش صحیح برخورد با مسائل تاکید داشته
 است و روش عقلانی و منطقی را در حکایات و تمثیل گوناگون مطرح کرده است.
 جدول ۳- مصادیق تفکر انتقادی در منطق الطیر

مصادیق	مؤلفه‌ها
ابیات (۱۰۲۶ تا ۱۰۳۰)، ابیات (۱۰۷۱ تا ۱۰۷۵)، ابیات (۱۷۸۱ تا ۱۷۹۸)، ابیات (۱۸۵۸ تا ۱۸۶۷)، ابیات (۱۹۶۵ تا ۱۹۷۱)، ابیات (۲۰۳۷ تا ۲۰۳۸)، ابیات (۲۰۷۸ تا ۲۰۸۴)، ابیات (۲۴۰۴ تا ۲۴۱۵)، ابیات (۲۵۰۹ تا ۲۵۰۳)، ابیات (۲۶۴۱ تا ۲۶۳۵).	پرسشگری
ابیات (۵۵۰ تا ۵۵۲)، ابیات (۶۰۶ تا ۶۰۹)، ابیات (۶۸۲ تا ۶۸۷)، بیت (۷۱۰)، ابیات (۷۷۲ تا ۷۷۷)، بیت (۸۴۱)، ابیات (۸۶۲ تا ۸۶۵)، ابیات (۸۶۶ تا ۸۷۲)، ابیات (۹۶۰ تا ۹۶۶)، ابیات (۱۰۴۲ تا ۱۰۴۶)، ابیات (۱۰۷۱ تا ۱۰۷۵)، ابیات (۱۷۱۰ تا ۱۷۱۵)، ابیات (۱۷۸۱ تا ۱۷۹۸)، ابیات (۱۸۰۰ تا ۱۸۰۸)، ابیات (۱۸۳۳ تا ۱۸۳۷)، ابیات (۱۸۵۸ تا ۱۸۶۷)، ابیات (۱۸۸۸ تا ۱۸۹۴)، ابیات (۱۹۹۸ تا ۱۹۹۵)، ابیات (۲۰۵۵ تا ۲۰۶۰)، ابیات (۲۰۹۴ تا ۲۱۰۰)، ابیات (۲۱۵۰ تا ۲۱۵۹)، ابیات (۲۲۲۵ تا ۲۲۳۳)، ابیات (۲۲۸۰ تا ۲۲۹۴)، ابیات (۲۳۰۰ تا ۲۳۰۷)، ابیات (۲۳۶۴ تا ۲۳۶۷)، ابیات (۲۴۷۱ تا ۲۴۸۲).	حقیقت جویی
۴۷۹ تا ۴۸۰، ابیات (۶۱۴ تا ۶۱۶)، ابیات (۸۳۱ تا ۸۴۰)، ابیات (۹۳۵ تا ۹۴۰)، ابیات (۱۰۴۲ تا ۱۰۴۶)، ابیات (۱۷۵۹ تا ۱۷۵۲)، ابیات (۱۷۸۱ تا ۱۷۹۸)، ابیات (۱۸۷۱ تا ۱۸۷۸)، بیت (۱۸۸۷)، ابیات (۱۸۸۸ تا ۱۸۹۴)، ابیات (۲۰۴۷ تا ۲۰۵۲)، ابیات (۲۰۷۸ تا ۲۰۸۴)، ابیات (۲۱۲۰ تا ۲۱۲۶)، ابیات (۲۲۸۰ تا ۲۲۹۴)، ابیات (۲۳۸۴ تا ۲۳۹۲).	قضاوت و ارزیابی با معیار روشن
بیت (۱۹۸ تا ۲۱۴)، ابیات (۵۶۵ تا ۵۶۹)، بیت (۷۱۰)، ابیات (۷۷۲ تا ۷۷۷)، ابیات (۸۳۱ تا ۸۴۰)، ابیات (۸۶۲ تا ۸۶۵)، ابیات (۹۲۷ تا ۹۳۲)، ابیات (۹۶۰ تا ۹۶۶)، ابیات (۱۸۱۸ تا ۱۸۲۳)، ابیات (۱۸۸۸ تا ۱۸۹۴)، ابیات (۲۰۵۵ تا ۲۰۶۰)، ابیات (۲۰۷۸ تا ۲۰۸۴)، ابیات (۲۱۸۰ تا ۲۱۸۴)، ابیات (۲۲۲۵ تا ۲۲۲۸)، ابیات (۲۳۰۰ تا ۲۳۰۷)، ابیات (۲۳۸۲ تا ۲۳۸۳).	عینیت‌گرایی
ابیات (۵۶۵ تا ۵۶۹)، ابیات (۵۷۷ تا ۵۷۸)، ابیات (۶۰۶ تا ۶۰۹)، سطر (۷۴۰)، ابیات (۷۷۲ تا ۷۷۷)، ابیات (۸۳۱ تا ۸۴۰)، ابیات (۸۶۲ تا ۸۶۵)، ابیات (۸۶۶ تا ۸۷۲)، ابیات (۹۲۷ تا ۹۳۲)، ابیات (۱۷۵۲ تا ۱۷۵۹)، ابیات (۱۹۲۷ تا ۱۹۳۰)، ابیات (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱)، ابیات (۲۰۹۴ تا ۲۱۰۰)، ابیات (۲۴۲۱ تا ۲۴۲۵).	استدلال
ابیات (۵۵۰ تا ۵۵۲)، ابیات (۶۰۶ تا ۶۰۹)، ابیات (۷۹۸ تا ۷۹۹)، ابیات (۸۶۶ تا ۸۷۲)، ابیات (۱۰۲۶ تا ۱۰۳۰)، ابیات (۱۷۳۶ تا ۱۷۴۳)، ابیات (۱۸۷۱ تا ۱۸۷۸)، ابیات (۱۹۶۵ تا ۱۹۷۱)، ابیات (۲۱۲۰ تا ۲۱۲۶)، ابیات (۲۳۸۴ تا ۲۳۹۲)، ابیات (۲۴۳۱ تا ۲۴۴۰).	تجزیه و تحلیل
ابیات (۵۷۳ تا ۵۷۴)، ابیات (۵۸۵ تا ۵۸۵)، ابیات (۱۹۵۰ تا ۱۹۵۶)، ابیات (۲۰۴۷ تا ۲۰۵۲).	بی طرفی
ابیات (۲۴۵ تا ۲۵۱)، ابیات (۵۳۴ تا ۵۴۱)، ابیات (۹۶۰ تا ۹۶۶)، ابیات (۱۷۳۶ تا ۱۷۴۳)، ابیات (۱۹۲۷ تا ۱۹۳۰)، ابیات (۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸)، ابیات (۲۰۹۴ تا ۲۱۰۰)، ابیات (۲۱۸۰ تا ۲۱۸۴).	انعطاف پذیری
ابیات (۵۳۴ تا ۵۴۱)، ابیات (۵۹۱ تا ۵۹۳)، بیت (۷۱۰)، ابیات (۸۴۰)، ابیات (۱۸۴۵ تا ۱۸۵۰)، ابیات (۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵)، ابیات (۲۴۱۶ تا ۲۴۲۰)، ابیات (۲۴۳۸ تا ۲۴۴۰).	روشمندی

نتیجه‌گیری

تفکر، تلاش و حرکت برای دریافت علم و آگاهی زیر نظر عقل است. عقل و دل هر دو از ابزار مهم معرفت است، عقل ستیزی و نگرش تضاد بین عقل و دل از آن عارفان برجسته نیست. عقل از رتبه ارزنده وجودی برخوردار است و لذا نمی‌تواند ناپسند باشد و در کنار دل با توجه به مراحل طولی معرفت لازم و مفید است.

با تبیین همراهی عقل و دل و همچنین رابطه‌ی عقل و تفکر، می‌توان گفت که تفکر انتقادی به عنوان یکی از ابعاد تفکر، دارای مهارت‌هایی است که در صورت بکارگیری، فرد را به سوی عقلانیت برده و زمینه را برای سیر عارف هموار می‌سازد. با توجه به اظهارات مطرح شده در مورد تفکر انتقادی، می‌توانیم این‌گونه سخن بگوییم که تفکر انتقادی، نقدکردن صرف نیست (وینینگهام و پروسر، ۲۰۰۱)، منظور از کلمه‌ی انتقاد در این‌جا، نگاه گله‌مندانه و شکایت‌آمیز هم نمی‌باشد، بلکه نگاهی تیزبینانه است (سیف، ۱۳۷۹: ۵۵۰). در صورتی که بیشتر اوقات کلمه‌ی انتقاد معنای ضمنی نقد کردن را به ذهن شنونده متبادر می‌سازد که معنایی منفی دارد و حالتی ناخوشایند و نامساعد را روی یک ایده، تئوری یا عمل می‌اندازد و اگر از واژه‌ی انتقادی به این معنا استفاده شود، آن‌گاه به تفکر انتقادی به عنوان یک ارزیابی غیر سازنده نگریسته می‌شود (آندولینا، ۲۰۰۱). متفکر انتقادی، سؤالات اساسی و مسائل را برمی‌انگیزد، آنها را به‌طور صریح تنظیم می‌کند، به جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات مرتبط می‌پردازد، ایده‌های انتزاعی را مورد استفاده قرار می‌دهد، با ذهن باز فکر می‌کند و با دیگران به‌طور اثربخش ارتباط برقرار می‌سازد. متفکران غیر انتقادی از نگاهی خودمحور به دنیا می‌نگرند، پرسش‌ها را با بلی و خیر پاسخ می‌دهند، دیدگاه خود را تنها دیدگاه معقول می‌پندارند و واقعیت‌های ذهنی خود را تنها واقعیت‌های موجود فرض می‌کنند (دورون و همکاران، ۲۰۰۶). در این پژوهش مؤلفه‌های نه‌گانه‌ای (پرسشگری، قضاوت با معیار، استدلال، تجزیه و تحلیل، بی‌طرفی، روشمندی، عینیت‌گرایی، حقیقت‌جویی، انعطاف‌پذیری) برای تفکر انتقادی تبیین شد که با پژوهش‌های (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰ و بدری گرگری و فتحی آذر، ۱۳۸۶ و فاکون، ۱۹۹۰ و ریچارد پائول و لیندا الدر، ۲۰۰۱) همخوانی دارد. چرا که نه تنها دربردارنده‌ی مؤلفه‌های مطرح شده در پژوهش‌های فوق‌الذکر بوده بلکه مؤلفه‌هایی نیز همچون روشمندی و انعطاف‌پذیری به آن‌ها افزوده است.

جمع‌بندی یافته‌ها نشان می‌دهد که کتاب منطق الطیر دارای حکایات و تمثیل زیبایی است که در خود مؤلفه‌های تفکر انتقادی را نهفته دارد که البته بعضی مؤلفه‌ها به صورت دقیق اشاره شده‌اند و

بعضی به صورت کنایه آورده شده‌اند. بر همین اساس می‌توان با بهره‌گیری از این متون غنی عرفانی برای پرورش تفکر انتقادی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی که یکی از اهدافش پرورش تفکر انتقادی است، به رشد و پرورش تفکر انتقادی کمک کرد. حکایات و تمثیل منطق الطیر بیانگر نکات عرفانی و عقلانی است که برای پرورش تفکر انتقادی می‌توان از آنها در مقطع ابتدایی و راهنمایی به صورت داستان‌های کوتاه و آموزنده که برای کودکان جذاب باشد استفاده کرد که حاوی مولفه‌های تفکر انتقادی باشد. اولین مولفه پرسشگری بود که می‌توان گفت سراسر کتاب منطق الطیر بر پرسشگری بنا گردیده است و در فرایند گفتگوی مرغان قابل مشاهده است. به عنوان مثال: بلبل شیدا درآمد مست مست/ وز کمال عشق نه نیست و نه هست/ گفت بر من ختم شد اسرار عشق/ جمله شب می‌کنم تکرار عشق.../ هدهدش گفت ای به صورت مانده باز/ بیش از این در عشق رعنائی مناز/ عشق روی گل بسی خارت نهاد/ کارگر شد بر تو و کارت نهاد. این مولفه با پژوهش رضی و اکبرآبادی (۱۳۸۹) همخوانی دارد. مولفه دیگری که در کتاب منطق الطیر به وضوح مطرح شده است، مولفه حقیقت‌جویی است. در واقع هدف اصلی نگارش این کتاب برای دست یافتن به حقیقت بوده است و با معرفی هفت وادی، عارف درصدد رسیدن به حق تعالی است. به عنوان نمونه: وارهدید از ننگ خودبینی خویش/ تا کی از تشویر بی دینی خویش/ هر که در وی باخت جان، از خود برست/ در ره جانان ز نیک و بد برست/ جان فشانید و قدم در ره نهید/ پای کوبان سر بدان درگه نهید (ابیات، ۷۱۰-۷۱۲). مولفه‌های قضاوت و ارزیابی با معیار روشن و عینیت‌گرایی نیز در جای جای کتاب منطق الطیر آورده شده است و بیانگر اهمیت عطار برای این مولفه‌ها می‌باشد. در ماجرای مرغان، هدهد به عنوان رهبر گروه، مرغان را به قضاوت و ارزیابی با معیار روشن و همچنین واقع‌نگری دعوت می‌کند و پیامش رهایی از خشک‌اندیشی و جزم‌گرایی است. این مولفه‌ها با پژوهش قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. مولفه استدلال و تجزیه و تحلیل نیز در حکایات و تمثیل مورد استفاده قرار گرفته است و داستان‌های زیادی در بیان اهمیت آن آورده شده است. مثلاً در آنجایی که مرغان ابراز ناتوانی می‌کنند و هدهد با بیان استدلال و تجزیه و تحلیل دقیق به روشنگری می‌پردازد. به عنوان مثال در حکایت طاووس: من نه آن مردم که در سلطان رسم/ بس بود اینم که در دوران رسم/ کی بود سیمرغ را پروای من؟/ بس بود فردوس عالی جای من.../ هدهدش گفت ای ز خود گم کرده راه/ هر که خواهد خانه‌ای از پادشاه/ گوی نزدیکی او زان به است/ خانه‌ای از حضرت سلطان به است (ابیات ۸۲۹-۸۳۳). مولفه‌های دیگری که مورد بررسی قرار

گرفت عبارتند از بی‌طرفی، انعطاف‌پذیری و روشمندی که مصادیق هر کدام مورد بررسی قرار گرفت که با پژوهش‌های (قاسم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، رضی و اکبرآبادی، ۱۳۸۹ و مسعودی‌فر، ۱۳۹۲) همخوانی دارد. در ادامه و با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر اشارات منطق الطیر عطار به مؤلفه‌های تفکر انتقادی، به برنامه‌ریزان درسی پیشنهاد می‌گردد که برای پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی به ویژه در بین دانش‌آموزان و دانشجویان، ادبیات غنی دینی و ملی را در محتوای کتب درسی گنجانده و این موضوع بیش از پیش مورد اهتمام قرار گیرد.

کتابنامه

- نهج البلاغه (۱۳۸۹). ترجمه محمد دشتی. قم. انتشارات اتقان.
- ابن عربی، محی الدین، بی تا، الفتوحات المکیه. بیروت، دار صادر.
- بدری گرگری، رحیم و اسکندر فتحی آذر (۱۳۸۶) مقایسه تاثیر یادگیری مبتنی بر حل مسأله گروهی و آموزش سنتی بر تفکر انتقادی دانشجو معلمان، مطالعات تربیتی و روانشناسی، سال هشتم، شماره ۲، صص ۴۲-۲۷.
- بیجنوند، فرامرز و اکبر رهنما (۱۳۹۰). تبیین مولفه ها، عناصر و ویژگی های تفکر انتقادی، دومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- بیجنوند، فرامرز (۱۳۹۰). تبیین مؤلفه های تفکر انتقادی و بررسی رابطه ی آن با تولید علم در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه شاهد در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ و ارائه ی راهکارها، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد تهران.
- بیجنوند، فرامرز، سعید ضرغامی همراه، یحیی قائدی، علیرضا محمودنیا (۱۳۹۳). تحلیل مفهوم تفکر انتقادی و تبیین روش های پرورش آن با تأکید بر آموزش عالی، فصلنامه تدریس پژوهی دانشگاه کردستان، سال اول، شماره اول، صص ۲۳-۴۵.
- دبونو، ادوارد (۱۳۸۴). به فرزندان خود روش فکر کردن بیاموزید، ترجمه ی عبدالمهدی ریاضی، چاپ سوم، تهران، انتشارات بیک بهار.
- دورانت، ویل (۱۳۸۰). تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب، چاپ شانزدهم، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضی، احمد، بتلاب اکبرآبادی، محسن (۱۳۸۹). منطق الطیر عطار و منطق گفتگویی، فصلنامه زبان و ادبیات پارسی، شماره ۴۶. صص ۱۹-۴۶.
- شاقول، یوسف و اعظم محسنی (۱۳۸۸). تفکر انتقادی با تأکید بر انقلاب کپرنیکی کانت، مجله پژوهش علوم انسانی، سال دهم، شماره ۲۶، صص ۲۸۴-۲۶۷.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۸). روانشناسی تربیتی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۳). روش تدریس پیشرفته، تهران، انتشارات سمت
- شعبانی، حسن (۱۳۷۸). تأثیر روش حل مسأله به صورت کار گروهی بر روی تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه چهارم ابتدائی شهر تهران، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- شهبابی، محمود (۱۳۸۴)، «تفکر انتقادی و آموزش انتقادی، آموزش علوم اجتماعی»، دوره هشتم، شماره ۴، صص ۱۶-۱۰.
- عطار نیشابوری، فرید الدین (۱۳۸۳). منطق الطیر، (مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی). تهران، انتشارات سخن.

- قاسم زاده، علی و قبادی، حسینعلی و طاهری و فولادی، علیرضا (۱۳۹۰)، «پیام‌های جهانی عطار برای مشکلات فکری انسان معاصر». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. سال سوم. شماره یازدهم. صص ۸۷-۱۱۰.
- مایرز، چت (۱۳۸۶)، آموزش تفکر انتقادی، ترجمه ی خدایار ایبلی، تهران، انتشارات سمت.
- مسعودی فر، جلیل (۱۳۹۲). کارکردهای معرفتی-روانشناختی منطق الطیر برای انسان معاصر. مجله زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۹. صص ۵۰-۷۲
- معروفی، یحیی و سید محمد شبیری و محمد یعقوبی (۱۳۸۸)، «جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه»، مجله پژوهش علوم انسانی، سال دهم، شماره ۲۶، صص ۲۶۵-۲۴۹.
- ملکی، حسن و مجید حبیبی پور (۱۳۸۶)، «پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت»، فصلنامه نوآوریهای آموزشی، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۱۰۸-۹۳.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۸۵)، نگاهی به فلسفه‌ی آموزش و پرورش، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات طهوری.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۸۷)، درآمدی به فلسفه، چاپ دهم، تهران، انتشارات طهوری.
- هاشمیان نژاد، فریده (۱۳۸۰). ارائه چهار چوب نظری در خصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تاکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی، رساله دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.

Andolina. M. (2001). Critical thinking for working students, columbia: delmar press.

Audi. R. (2002). Philosophy: the value of philosophy, New York: the american philosophical association.

Baumberger-Henry. R. N. (2005). Cooperative learning and case study: does the combination improve students. Nurse Education Today, 25(3), pp.238-246.

Billings Diane. M. and Halsted Judith. A. (2009). Teaching in nursing a guide for faculty. St Louis: Saunders Co.

Burke. C. G. (2003). What is critical tjomlong, available at: <http://www.usc.edu/schools/spdp/private/documents/doctoral/resources/criticalthinking.pdf>.

Clark. D. and Holt .J. (2001). Strategies to overcome obstacles in the facilitation. Critical thinking in nursing education, vol 25, pp291-298.

Dam. G.T. and Voloman.M. (2004). Critical thinking as a citizenship competence, teaching strategies. Learning and instruction, vol.14,pp 359-379.

Ennis. R.H (1985). A logical basis for measuring critical thinking skills. Educational leadership, 43, 44-48.

Ennis. R.h. (2002). An outline of goals for a critical thinking curriculum and its assessment, available at:<http://faculty.ed.Uiuc.edu/rhennis>.

Facione. P. A. and Giancarlo.C. A. and Facione. N. C. and Gainen. J .(1995). The disposition toward critical thinking. *Journal of General Education* , vol.44. No.1. pp.1-25

Facione. P.A. (1990). *Critical thinking: A statement of expert consensus for purposes of educational assessment and instruction*, NEW YORK. DI: the american philosophical association. (eric document reproduction service no ed 315423.

Fisher. A. (2001). *Critical thinking: an introduction*. The university press of Cambridge, [http:// www. cambridge.org](http://www.cambridge.org).

Glen. S. (1995). *Developing critical thinking in higher education*, Nurse education today, vol. 15, pp 170-176.

Glifford. J. and Et al. (2004). *Personality traits and critical thinking skills in college students, empirical tests of a two –factor theory*. SAGE journals online and highwire press platforms, vol. 11, No. 2, pp. 169-176.

Halonen. J. S. (1995). *Demystifying critical thinking, teaching of psychology*, No.22 ,pp.75 -81.

Halpern. D. F. (1996). *Teaching critical thining for transfer across domains*, *American psychologist*, 53, pp 449-455.

Hatcher. D. L. and Spencer. L. A. (2005), *Reasoning and writing: from critical thinking to composition*, 3rd. ed, boston, american press.

Johnson. E. B. (2002). *Contextual teaching and learning: what it is and why it's here to stay*. United Kingdom, corwin press.

Johnson. R. H. (1996). *The rise of informal logic*, VA: vale press.

Lerch. C. and Bilics. A. and Colley. B. (2006). *Using reflection to develop higher order processes*. Paper Presented at the Annual Meeting of American Education Research Association ([www. Eric. Ed. Org.](http://www.Eric.Ed.Org)).

Lip. K.S. and Beasley. S. (2004). *Critical thinking in nursing. A cognitive skills workbook*. Philadelphia, PA: Lipincott Williams & Wilkins.

Lipman. M. (1996). *Philosophy go to school*. philadelphia ,temple university press.

Papastephanlou. M. (2004). *Educational critique, critical thinking and the critical philosophical traditions*. *Journal of philosophy of education*, No 38, pp370-377.

Paul. R. and Elder. L. (2000). *Critical thinking: the path to responsible citizenship*, high school magazine, vol.7, No. 8, pp.10-15.

Paul. R. and Elder. L. (2001). *The miniature guide to critical thinking concepts and tools*. Dillon Beach: Foundation for Critical Thinking Press.

Paul. R. C. (1994). *Teaching critical thinking in the strong sense*. In k.s. walters (ed), *re-thinking reason: new perspectives in critical thinking*, (pp.181-198), albany, ny: suny.

Paul. R. C. (1992). *Critical thinking: what every person needs to survive in a rapidly changing world*. Santa Rosa, CA: Foundation for critical thinking.

Schafersman. S .D. (1991). An introduction to critical thinking. Retrieved from: <http://smartcollegeplanning.org/wp-content/uploads/2010/03/critical-thinking.pdf> (august10, 2011).

Seifert. K. L. (1991). Educational psychology (2d Ed.). boston: houghton mifflin.

Siegel. H. (1998). Educating reason: rationality, critical thinking and education. New York, rutledge.

Walsh. D. and Pual. R. (1988). The goal of critical thinking:from educational ideal to educational reality. Washington, D.C.: American Federation of Teachers.

Watson. G. B. and Glaser. E. M. (1980). Watson-glaser critical thinking appraisal manual, forms A and B. San Antonio: psychological corporation.

Winningham. M. and Preusser, B. (2001). Crotoca; tjomlong om, edoca; - sirgoca; settomgs(a case study approach), missouri, mosby, inc press.

Woolfoolk. A. E. (1995). Teaching critical thinking and skills, educational psychology. (6 Th Ed), boston, allyn and bacan.